

## آموزه مهدویت در آینه زیارت جامعه کبیره

حجت الاسلام والمسلمین محمدامین صادقی ارزگانی\*

### مقدمه

زیارت «جامعه کبیره» از معتبرترین زیارت‌نامه‌هایی است که مورد توجه علمای بزرگ بوده و شرح‌های بسیاری بر آن تا کنون نگاشته شده است؛ از جمله فقیه حکیم آیت الله العظمی جوادی آملی شرح مبسوطی با عنوان ادب فنای مقربان بر آن نوشته است. مسئله مهدویت در این زیارت‌نامه مورد توجه خاصی قرار گرفته است؛ چون آموزه مهدویت از مسائل حیاتی جامعه اسلامی است که از زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مطرح بوده و بر زنده نگه داشتن آن تأکید شده است. اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام هر کدام متناسب با شرایط این مسئله را مطرح و بیان کرده‌اند. دوران امام هادی و امام حسن عسکری عَلَيْهِمَا السَّلَام شرایط سیاسی خاصی در این باره داشته است؛ چراکه حکومت به شدت مسائل مهدویت و حتی تولد حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام را پیگیری می‌کرد و تحت نظر داشت. امام هادی عَلَيْهِ السَّلَام از فرصت‌ها استفاده کردند و اصل امامت به‌ویژه آموزه مهدویت را در پوشش دعا و زیارت‌نامه نه تنها زنده نگه داشتند، بلکه نکته‌های بنیادین امام‌شناسی و مهدی‌شناسی را ثبت کرده‌اند. در زیارت «جامعه کبیره» که متین‌ترین و جامع‌ترین متون زیارتی است، مسئله مهدویت و به‌ویژه دوران ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و رهاورد حکومت عدل‌گستر او مورد توجه خاص قرار گرفته است. در این نوشتار به چند نمونه از ویژگی‌های حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در این زیارت‌نامه اشاره می‌شود.

### ۱. بقیة الله

یکی از ویژگی‌های مهدی موعود وصف «بَقِيَّةِ اللَّهِ» بودن اوست که در این زیارت‌نامه نورانی

\* نویسنده و پژوهشگر.

مورد توجه قرار گرفته است: «السَّلَامُ عَلَى الْأَيَّمَةِ الدُّعَاةِ ... وَبَقِيَّةِ اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ»<sup>۱</sup> سلام بر امامان دعوت‌کننده به سوی حق و بر «بقیة الله» و برگزیده خدا. این ویژگی مهدی علیه السلام خاستگاه قرآنی دارد که خداوند فرمود: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»<sup>۲</sup> آنچه خداوند برای شما باقی گذارده، برای تان بهتر است؛ اگر ایمان داشته باشید. شیخ صدوق روایتی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «حضرت قائم علیه السلام هنگام ظهورش همین آیه را می‌خواند؛ آن‌گاه می‌فرماید: "أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَخَلِيفَتُهُ وَحُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ: من بقية الله در زمین خدا و خلیفه و حجّت او بر شما هستم". پس هر مسلمانی که به او سلام می‌کند، می‌گوید: "السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ؛ درود بر تو ای بقیة الله در زمین او"»<sup>۳</sup>.

دلبرا گر بنوازی به نگاهی ما را	خوش‌تر است از بدهی منصب شاهی ما را
به من بی سر و پا گوشه چشمی بنما	که محال است جز این گوشه پناهی ما را
بر دل تیره‌ام ای چشمه خورشید بتاب	نبود بدتر از این روسیاهی ما را
از ازل در دل ما تخم محبت کشتند	نبود بهتر از این مهر گیاهی ما را <sup>۴</sup>

## ۲. شاهد غایب

ویژگی دیگر حضرت مهدی علیه السلام این است که آخرین امام با وجود غیبت، شاهد بر ما و اعمال و احوال ماست؛ چنان‌که امام علیه السلام در توفیق مبارک خود خطاب به شیخ مفید فرمود: «فَأَنَا يُحِيطُ عَلِمْنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يُعْرَبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ»<sup>۵</sup> ما از اوضاع شما کاملاً باخبریم و هیچ چیز از احوال شما بر ما پوشیده نیست. همچنین امام به ایشان فرمود: «وَإِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِيْنَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اضْطَلَمَكُم»<sup>۶</sup> ما در برابر شما بی‌توجه نیستیم و همواره به یاد شما هستیم؛ وگرنه دشواری‌ها و گرفتاری‌ها بر شما فرو می‌ریخت و دشمنان شما را

۱. محمد بن علی بن بابویه، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۳۸۶.

۲. هود: ۱۱ و ۸۶.

۳. محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۶.

۴. غروی اصفهانی، دیوان کمپانی، غزلیات، شماره ۴۵.

<https://ganjoor.net/moftagher/divan/ghazaliyat/sh45>

۵. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

۶. قطب‌الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۹۰۳.

لگدمال می‌کردند».

این مطلب در زیارت‌نامه «جامعه کبیره» این‌گونه طرح شده است: «مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ وَ شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ وَ أَوْلَكُمْ وَ آخِرِكُمْ؛<sup>۱</sup> ایمان آورنده به نهان و آشکار شما و حاضر و غایب شما و اول و آخر شما».

مراد از شاهد، امامی است که مردم او را مشاهده کنند و او مردم را مشاهده نماید که در زمان ظهور مهدی علیه السلام این موهبت رخ می‌دهد و مردم ایشان را همانند ائمه پیش می‌بینند و از نور وجود او استفاده می‌نمایند. مراد از غایب، حضرت قائم علیه السلام در عصر غیبت اوست که در جهان و جامعه حضور دارد، ولی ظهور ندارد؛ یعنی او مردم را می‌بیند و می‌شناسد، اما مردم یا او را نمی‌بینند یا می‌بینند، ولی نمی‌شناسند؛ همان‌گونه که امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «اللَّهُمَّ بَلَى! لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ. إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا، وَإِمَّا خَائِفًا مَعْمُورًا؛<sup>۲</sup> بار خدایا، آری هرگز روی زمین از کسی که به حجت الهی قیام کند خالی نمی‌شود؛ خواه ظاهر و آشکار باشد یا ترسان و پنهان».

در ادامه کلام امیر مؤمنان علیه السلام به نکته مهمی درباره فواید وجود حجت‌های الهی اعم از غایب و ظاهر پرداخته شده است. ایشان فرمود: «لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ؛<sup>۳</sup> وجود آنها به این سبب است که دلایل الهی و نشانه‌های روشن او هرگز باطل نگردد و از دست نرود».

این فراز از کلام حضرت در واقع پاسخی است به یک پرسش معروف درباره فلسفه وجود امام غایب؛ چون افزون بر اینکه وجود او سبب آرامش زمین و برکات الهی و تربیت و پرورش دل‌های آماده از طریق ولایت تکوینی همچون پرورش گل‌ها و میوه‌ها به وسیله نور آفتاب پشت ابر است، فایده دیگری نیز دارد و آن اینکه معارف اسلامی و حجج و بیّنات الهی و احکام شریعت را دست‌نخورده نگه می‌دارد تا با گذشت زمان گردوغبار نسیان و بطلان بر آنها ننشیند و آیین حق تحریف نگردد تا زمانی که ظاهر شود و همه را از این اقیانوس بی‌کران و سرچشمه آب زلال و حیات‌بخش سیراب کند.

۱. محمد بن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۸۹.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷.

۳. همان.

### ۳. انتظار دولت کریمه

از بهترین و برترین آرزوهایی که در روایات به جامعه ارائه و نوید آن داده شده است، ظهور دولت عدل گستر مهدوی است. این آرزوی بلند و متعالی در زیارت نامه «جامعه کبیره» نیز مورد توجه قرار گرفته است: «مُنْتَظِرٌ لِّمَرِّكُمْ مُرْتَقِبٌ لِّدَوْلَتِكُمْ؛<sup>۱</sup> منتظر امر ظهور و چشم به راه دولت شمایم».

این همان حقیقتی است که در دعای نورانی «افتتاح» چنین آمده است:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعَزِّبُهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا النَّفَاقَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدَّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ فِي سَبِيلِكَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛<sup>۲</sup>

خدایا، به سوی تو مشتاقیم برای یافتن دولت کریمه‌ای که اسلام و اهلش را به آن توانمند گردانی و نفاق و اهلش را به وسیله آن خوارسازی و ما را در آن دولت از دعوت کنندگان به سوی طاعتت و رهبران به سوی راهت قرار دهی و کرامت دنیا و آخرت را از برکت آن روزی ما کنی.

همین آرزوی درس آموز علوی در کلام فرزندش امام هادی علیه السلام در زیارت «جامعه کبیره» نیز بازتاب یافته است که نه تنها به آرزوی تشکیل دولت حضرت مهدی علیه السلام بسنده نشده است، بلکه آرزو می‌کند جزء کارگزاران و یاران اصلی حضرت مهدی علیه السلام قرار گیرد؛ بنابراین می‌گوید: «وَجَعَلَنِي مِمَّنْ ... وَيَمْلِكُ فِي دَوْلَتِكُمْ وَيُشْرَفُ فِي عَافِيَتِكُمْ وَيُمْكِنُ فِي أَيَّامِكُمْ؛<sup>۳</sup> مرا از کسانی قرار بده که در دولت شما به فرمانروایی رسد و در عافیت شما گرامی گردد و در روزگار شما تمکن یابد». امام هادی علیه السلام در این فراز به زایرانی که این زیارت نامه نورانی را می‌خوانند، آموخت تا آرزو کنند در دولت کریمه مهدی علیه السلام از حکمرانان و کارگزاران حکومت عدل گستر او باشند و در زمان سلامت و عافیت او به جایگاه بلند برسند؛ طوری که ستم ستمکاران و طاغیان به او نرسد و در زمان دولت و چیرگی عدل گستر مهدوی دارای ارزش و اعتبار و منزلت باشند و با این آرزوها، توفیق دیدار آن حضرت نیز برآورده می‌شود که: «وَتَقَرَّرُ غَدَا بِرُؤْيَتِكُمْ؛<sup>۴</sup> و چشمش فردا به دیدار شما روشن شود».

۱. محمد بن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۸۹.

۱۱. محمد به یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۲۴.

۳. محمد بن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۸۹.

۴. همان.

#### ۴. جلوه‌ای از ولایت تکوینی مهدی در عصر غیبت

گرچه امام مهدی علیه السلام بر اساس حکمت و مصلحت نهفته حق تعالی در فراسوی پرده غیب مستور است و حسب ظاهر مردم از ارتباط ظاهری و حضوری و پرسش احکام دینی و شرعی از او محروم‌اند، ایشان از رهگذر تصرفات تکوینی افاضاتی وجودی فراوان دارد که به برخی از آنها در کلام امیر مؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه اشاره شده است؛ از جمله آنجا که فرمود: «لِيُحَلَّ فِيهَا رِبْقًا وَيُعْتَقَ فِيهَا رِقًا»<sup>۱</sup> او می‌آید تا در آن میان گره‌ها را بگشاید، بردگان را آزاد سازد. «لِيُحَلَّ فِيهَا رِبْقًا» یعنی در مواجهه با فتنه‌ها در آخر الزمان در حالی که غایب است، بندها و گره‌هایی را باز می‌کند؛ یعنی چه بسا گره‌هایی در زندگانی افراد در عصر غیبت با توجه حضرت باز می‌شود. از این رهگذر ممکن است عنایات او شامل حال دوستانش شده و با تصرفات تکوینی او در زمان غیبت این بندها و گره‌ها باز شود. ممکن است مراد از «وَيُعْتَقَ فِيهَا رِقًا» آزادی از بند شک و شبهات علمی و نظری باشد؛ یعنی کسانی که گرفتار تحیر، شک، شبهه و مشکلات علمی هستند، توسط آن حضرت یاری می‌شوند و مشکلات شان حل می‌گردد.

داستان‌ها درباره تصرفات تکوینی حضرت مهدی علیه السلام بسیار است؛ ولی قصه دیدار سیدبهرالعلوم با امام زمان علیه السلام جالب و آموزنده است. سیدبهرالعلوم علیه السلام به قصد تشریف به سامرا تنها به راه افتاد. بین راه درباره این مسئله که گریه بر امام حسین علیه السلام گناهان را می‌آمرزد، فکر می‌کرد. همان وقت متوجه شد شخص عربی سوار بر اسب به او رسید و سلام کرد، بعد پرسید: جناب سید درباره چه چیز به فکر فرو رفته‌ای؟ و در چه اندیشه‌ای؟ اگر مسئله علمی است بفرمایید، شاید من هم اهل باشم؟ سیدبهرالعلوم عرض کرد: در این باره فکر می‌کنم که چگونه می‌شود خدای تعالی این همه ثواب به زائرین و گریه‌کنندگان حضرت سیدالشهداء علیه السلام می‌دهد؛ مثلاً در هر قدمی که در راه زیارت برمی‌دارند، ثواب یک حج و یک عمره در نامه عمل‌شان می‌نویسند و برای یک قطره اشک تمام گناهان صغیره و کبیره‌شان آمرزیده می‌شود؟ آن سوار عرب فرمود: تعجب نکن، من برای شما مثالی می‌آورم تا مشکل حل شود. سلطانی به همراه درباریان خود به شکار می‌رفت؛ در شکارگاه از لشکریان دور شد و به سختی فوق‌العاده‌ای افتاد و بسیار گرسنه شد. خیمه‌ای را دید، وارد آن خیمه شد. در آن سیاه‌چادر، پیرزنی را با پسرش دید. آنها در گوشه خیمه بز شیردهی داشتند و از راه مصرف شیر این بز زندگی خود را می‌گذراندند. وقتی سلطان وارد شد، او را نشناختند؛ ولی برای پذیرایی از مهمان، آن بز را سر بردند و کباب

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰.

کردند، چون چیز دیگری برای پذیرایی نداشتند. سلطان شب را همان جا خوابید و روز بعد از ایشان جدا شد و هر طوری بود، خودش را به درباریان رساند و جریان را برای اطرافیان نقل کرد. در نهایت از ایشان سؤال کرد اگر بخوادم پادشاه میهمان‌نوازی پیرزن و فرزندش را داده باشم، چه عملی باید انجام بدهم؟ یکی از حضار گفت: به او صد گوسفند بدهید. دیگری که از وزرا بود گفت: صد گوسفند و صد اشرفی بدهید. یکی دیگر گفت: فلان مزرعه را به ایشان بدهید. سلطان گفت: هرچه بدهم، کم است؛ زیرا اگر سلطنت و تاج و تختم را هم بدهم، آن وقت مقابله به مثل کرده‌ام؛ چون آنها هرچه را که داشتند به من دادند، من هم باید هرچه دارم به ایشان بدهم تا سربه‌سر مساوی می‌شود.

بعد سوار عرب به سید فرمود: حالا جناب بحرالعلوم، حضرت سیدالشهداء علیه السلام هرچه از مال و منال و اهل و عیال و پسر و برادر و دختر و خواهر و سر و پیکر داشت، همه را در راه خدا داد؛ پس اگر خداوند به زائرین و گریه‌کنندگان آن حضرت این همه اجر و ثواب بدهد، نباید تعجب کرد؛ چون خدا که خدایی‌اش را نمی‌تواند به سیدالشهداء علیه السلام بدهد؛ پس هر کاری که می‌تواند آن را انجام می‌دهد؛ یعنی به صرف نظر از مقامات عالی خود امام حسین علیه السلام به زوار و گریه‌کنندگان آن حضرت هم درجاتی عنایت می‌کند؛ با این وجود اینها را جزای کامل برای فداکاری آن حضرت نمی‌داند. وقتی شخص عرب این مطالب را فرمود، از نظر سید بحرالعلوم غایب شد و بعد ایشان متوجه شد آن سید عرب امام زمان علیه السلام بوده است.<sup>۱</sup>

##### ۵. زنده شدن دین

گذشت زمان، غیبت امام زمان علیه السلام و وجود تحریف‌گران و بدعت‌گذاران در طول تاریخ، باعث تغییر چهره دین و دستورات دینی می‌شود؛ تا آنجا که دین به ظاهر مرده و کهنه به شمار می‌آید و دستورات آن به تعطیلی کشیده می‌شود؛ از این رو با ظهور حضرت، دستورات دین آن چنان که هست، بیان و اجرا می‌شود؛ به این دلیل آن حضرت احیاکننده دین دانسته شده است. در زیارت «جامعه» می‌خوانیم: «حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ»<sup>۲</sup> تا اینکه خداوند دینش را به وسیله شما زنده گرداند.

علی علیه السلام فرمود: «وَيُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ» و [مهدی بخش‌های] مرده کتاب [خدا] و

۱. علی اکبر نهانندی، عبقری الحسان، ج ۱، ص ۲۲۷.

۲. محمد بن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۸۹.

سنت [پیامبر ﷺ] را زنده می‌کند» و با زنده شدن دین اهل بیت علیهم السلام به منزلت بزرگی دست می‌یابند و به تعبیر در زیارت «جامعه»: «يُمَكِّنُكُمْ فِي أَرْضِهِ»<sup>۱</sup> و تمکن و قدرت دهد شما را در زمین خویش». این دو جمله فرازمند اشاره به همان مطلبی دارد که در قرآن کریم به آن اشاره شده است:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛<sup>۲</sup> خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد؛ همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده است، برای‌شان پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترس‌شان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند؛ [آنچنان] که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقان‌اند.

در آیه دیگر فرمود: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»<sup>۳</sup> بدانید خداوند زمین را بعد از مردنش زنده می‌گرداند. به تحقیق آیات را برای شما بیان کردیم، شاید تعقل کنید».

بنابراین با ظهور حضرت قائم علیه السلام خداوند مظاهرش را که محمد و آل او هستند، حیات می‌بخشد و قدرت اهل بیت علیهم السلام با پاکی زمین از طاغوت‌ها و شاخه‌های آن، یعنی فحشا و منکرات و ستم و دیگر زشتی‌ها بر جهان حاکم می‌شود و در همه جا دستورات اسلام اجرا می‌شود.

## ۶. روشن شدن زمین

در جمله دیگر زیارت‌نامه چنین آمده است: «وَأَسْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ»<sup>۴</sup> و زمین با نور شما روشن

۱. همان.

۲. نور: ۲۴ و ۵۵.

۳. حدید: ۵۷ و ۱۷.

۴. محمد بن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۸۹.

می‌شود). این جمله از زیارت اشاره‌ای لطیف به ظهور حضرت مهدی علیه السلام دارد که با وجود نور آن حضرت، زمین نورانی خواهد شد؛ یعنی تمام ظلمت‌های فکری، فرهنگی، اعتقادی، اجتماعی و مانند آن که توسط گناه، عملکرد ستمگرانه و هر علل و عوامل دیگر رخ می‌دهد، با نور وجود امام و در پرتو احکام الهی قرآن روشن می‌گردد. این رخداد در واقع الهام از آیه مبارکه است که می‌فرماید: «وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»<sup>۱</sup> و زمین [در آن روز] به نور پروردگارش روشن می‌شود».

### ۷. فراگیر شدن عدالت

رهاورد دیگری که از ظهور حضرت مهدی علیه السلام در زیارت «جامعه» مورد توجه قرار گرفته است، عدالت فراگیر و جهانی است؛ عدالتی که تمام هستی و تمام جوانب و زوایای زندگی بشر را زیر بال می‌گیرد و به قول امیر مؤمنان علیه السلام: «فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السَّيْرِ»<sup>۲</sup> روش عادلانه [در حکومت حق] را به شما می‌نمایاند». نیز عدالت واقعی را برای همه جهانیان به نمایش می‌گذارد و طعم شیرین آن را به همه خواهد چشاند.

در زیارت «جامعه» می‌خوانیم: «وَ يُظْهِرُكُمْ لِعَدْلِهِ»<sup>۳</sup> و شما را برای [اجرای] عدالتش آشکار کند». تعبیر فوق اشاره به این دارد که خداوند با ظهور حضرت مهدی علیه السلام، آخرین و کامل‌ترین صحنه از عدالت خویش را آشکار می‌کند.

گفتنی است عدالت آرزوی همیشگی بشریت، اساس کار حیات طیبه انسانی و عمده‌ترین ویژگی دوران حکومت مهدوی است. اگر ما جامعه بشری را در طول تاریخ به کاروانی تشبیه کنیم که مسیری را طی می‌کند، سؤال این است که این کاروان به کجا می‌رود؟ مقصد این کاروان کجاست؟ همه ایان الهی معتقدند این کاروان در پایان به یک منزلگاه مطلوب و دلگشا خواهد رسید؛ به یک پایان امید به عدل که بارزترین ویژگی آن برقراری کامل عدالت و برچیده شدن بساط ظلم و طاغوت و طغیان است. ویژگی مهدی موعود در نظر مسلمانان اجرای عدل و داد، استقرار عدالت در جامعه و از بین بردن ظلم از سطح زمین است؛ چنان‌که هدف همه پیامبران اقامه عدل و قسط بوده است، هدف حکومت ولی عصر هم در آخر زمان باز همین عدل است.

۱. زمر: ۳۹ و ۶۹.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۳. محمد بن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۹۰.



امروز امیر در میخانه تویی تو      فریاد رس ناله مستانه تویی تو  
مرغ دل ما را که به کس رام نگرده      آرام تویی، دام تویی، دانه تویی تو<sup>۱</sup>

## ۸. رجعت ائمه

یکی از باورهای شیعه، اعتقاد به رجعت ائمه علیهم السلام است. بر اساس این اعتقاد و بر مبنای روایات اهل بیت علیهم السلام در زمان حضرت مهدی علیه السلام عده‌ای از انسان‌های صالح و برخی از افرادی ستمگر به این دنیا باز خواهند گشت. از جمله مسائلی که در جای جای زیارت «جامعه کبیره» به آن تصریح می‌شود، رجعت ائمه است؛ آن هم با عبارات قطعی و یقینی. در بخشی از زیارت آمده است: «مُؤْمِنٌ بِأَيِّكُمْ مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ»<sup>۲</sup> مؤمن به آمدن شما و تصدیق کننده رجعت شما هستم». دو جمله فوق فقط برای تأکید نیست، بلکه برای بیان اعتقاد به این است که رجعت اتفاق می‌افتد، چه اینکه هرچه را معصومین علیهم السلام - که از اشتباه و خطا مصون‌اند - خبر دهند، واقع خواهد شد و باید به آن ایمان داشت. در جای دیگر می‌فرماید: «وَيَكْفُرُ فِي رَجْعَتِكُمْ»<sup>۳</sup> و قرار ده مرا از کسانی که باز گردد در رجعت و برگشت شما». نیز در زیارت وداع ذیل زیارت «جامعه» می‌خوانیم: «وَ أٰخِيَانِي فِي رَجْعَتِكُمْ»<sup>۴</sup> خدا زنده گرداند مرا در رجعت و برگشت شما».

## کتاب‌نامه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ ش.
۲. \_\_\_\_\_، من لا يحضره الفقيه، بيروت: منشورات مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۴۰۶ ق.
۳. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، قم: فاطمه زهرا، ۱۳۸۹ ش.
۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶ ش.
۶. نهاوندی، علی اکبر، عبقری الحسان، چ سوم، قم: کتاب جمکران وابسته به مسجد مقدس جمکران، ۱۳۹۵ ش.

۱. آیت الله نوغانی، اختران ادب، ج ۱، ص ۱۲۰.

۲. محمد بن علی بن بابویه، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۳۸۹.

۳. همان، ص ۳۸۸.

۴. همان، ص ۳۹۱.